

«سال ایمان» زمان توبه و بازگشت بسوی خدا

بشوی تا از برف سفید تر گردم ...". یکی از مهمترین ویژگیهای زندگی سرور و نجات دهنده ما عیسی مسیح محبت او نسبت به گناهکاران می باشد. ایشان صریحاً فرمود که جهت بخشش خطاکاران آمد. او در جواب فریسیان و علمای یهودی که از او ایراد می گرفتند و می گفتند: "این مرد گناهکاران و خطاکاران را می پذیرد و با آنها می خورد و می نوشد، گفت: من نیامده ام تا پرهیزکاران را به توبه دعوت کنم بلکه آمده ام تا خطاکاران را دعوت نمایم." (انجیل لوقا باب ۵ آیه ۲۷-۳۲).

هدف عیسی از داشتن رفتاری محبت آمیز نسبت به گناهکاران برگرداندن امید به آنها بود، چون از طرف جامعه طرد شده بودند و با نگاهی تحقیر آمیز به آنها نگاه می کردند و همچنین تا اینکه بتوانند زندگی نوینی را آغاز نمایند. انجیل یوحنا راجع به زنی بدکاره سخن می گوید که علما و فریسیان یهودی آنرا نزد عیسی آوردند و به وی گفتند: بر طبق تورات موسی این زن باید سنگسار شود چون در هنگام عمل زنا گرفته شد، اما عیسی پس از اینکه آنها را از گناهکار بودن ایشان آگاه ساخت به زن گفت: "من تو را محکوم نمی کنم و دیگر گناه نکن." (رجوع شود به انجیل یوحنا باب ۸ آیه ۱-۱۱).

عملکرد عیسی نسبت به زن خطاکار نشانگر برتری انسان بر قانون می باشد، او می خواهد بگوید: قانون و شریعت باید در خدمت و ارتقای سطح زندگی انسان باشد نه بر عکس، بنابراین هر قانون و شریعتی که جهت تحقق بخشیدن بدین هدف اعمال نمی شود باید از بین برود.

دوستان گرامی: طبق انجیل مقدس خداوندمان عیسی مسیح رسالت نجاتبخش خود را به دعوت مردم برای توبه آغاز نمود، چنانکه در انجیل متی آمده است: "عیسی از آن روز به اعلام پیام خود پرداخت و گفت: توبه کنید زیرا پادشاهی آسمان نزدیک است." (باب ۴ آیه ۱۷) به همین دلیل انگیزه نامگذاری سال ۲۰۱۳ به «سال ایمان» توبه و بازگشت ما بسوی خدا می باشد. کلیسای مقدس مادر و راهنمای ما از ما می خواهد تا اینکه این فرصت گرانبها از دست نداده و بهترین استفاده را از آن بکنیم. تاریخچه آموزه های کلیسا به ما یادآوری می کند که یک انسان مسیحی باید هر روز راه توبه را طی نماید چون هدف نهائی توبه رسیدن به خدا و زندگی کردن با او می باشد و برای پیمودن این راه پر فراز و نشیب با موفقیت فرد ایماندار باید ایمان راسخ و عزم ثابت داشته باشد به اینکه این کار امکان پذیر است. برحسب تعالیم کتاب مقدس واژه «توبه» دو حقیقت بسیار مهم را بیان می کند، یکی اینکه انسان گناهکار است و تنها با قدرت خود نمی تواند از گناه آزاد گردد و دومی اینکه خدا بخشنده و مهربان بوده و همیشه آماده پذیرفتن انسان گناهکار است.

این برداشت از «توبه» به شیوه ای بسیار زیبا در مزمور ۵۱ که داود نبی پس از اینکه مرتکب گناه شد به زبان آورد قابل توجه است: "خدایا به خاطر محبت پایدار خود بر من رحم کن و از روی لطف بی پایانت گناهان مرا ببخش. مرا از گناهانم شستشو ده و از خطاهایم پاک کن. من به گناهان خود اعتراف می کنم و خطاهایم که کردم در نظر دارم. گناهان مرا از من دور کن تا پاک شوم. مرا

سفر پیدایش که اولین بخش کتاب مقدس ما را تشکیل می‌دهد می‌فرماید: خدا انسان را به صورت و شباهت خود آفرید و وقتی که مرتکب گناه شد فرزند یگانه اش را فرستاد تا او را از مرگ ابدی نجات بخشد. انسان حتی در حین گناهکار بودنش بالاترین و ارزشمندترین مخلوقات روی زمین است. گناه هرگز نمی‌تواند صورت و شمایل خدا که در انسان حک شده است محو کند، چون فیض و محبت خدا از گناه انسان بی‌اندازه بیشتر است. پولس رسول می‌فرماید: "جایی که گناه افزایش یافت، فیض خدا به مراتب بیشتر است." (رساله به رومیان باب ۵ آیه ۲۰).

دوستان عزیز: واژه «توبه» نباید ما را بترساند و خود را از فیض آن محروم کنیم. طبق آموزه های کتاب مقدس توبه کار کسی است که شادی بازگشت بسوی پدر آسمانی تجربه می‌کند و از آن لذت می‌برد. داستان پسر گمشده که در انجیل لوقا باب ۱۵ نگاشته شده است این حقیقت را به ما آشکار می‌سازد. پسر گمشده پس از اینکه از پدرش جدا شد و دارائی خود را در عیاشی به باد داد و تلخی زندگی کردن بدون پدر چشید سرانجام به خود آمده پشیمان شده و به منزل پدر برگشت. علی‌رغم کارهای بد و ناشایست که کرده بود پدر وی را در آغوش فشرد و او را به عنوان فرزندش پذیرفت و در حالیکه سرشار از شادی بود دستور داد که سفره ضیافت چیده و گوساله پرواری را ذبح نمایند و مجلس جشنی بر پا کنند، چون پسرش مرده بود، زنده شد و گم شده بود، پیدا شده است. داستان پسر گم شده می‌خواهد بخشش خدا نسبت به گناهکاران برجسته و ابراز نماید، بخششی که به واسطه عیسی مسیح انسان گناهکار را دوباره احیاء نموده و از مرگ ابدی او را رهایی داده است. اکنون که تنها سه ماه از «سال ایمان» باقی مانده است سعی کنیم از فیض توبه و شادی که در آن نهفته است بهره مند شویم. با قلبی فروتن و پشیمان در برابر خدای مهربان که پدر دلسوز ما است به گناهان خود اقرار و اعتراف کنیم و از او فیض بخشش و آشتی را دریافت نمائیم. در ضمن این نکته بسیار مهم هرگز فراموش نکنیم: خدا از اینکه در وسوسه ها سقوط می‌کنیم و مرتکب گناه می‌شویم زیاد

ناراحت نمی‌شود و تعجب نمی‌کند، آنکه قلب پدر مقدس ما غمگین و جریحه دار می‌کند اصرار ما بر ماندن در گناه است، چون می‌داند عاقبت چنین رفتار نابودی و هلاکت ما می‌باشد، به همین دلیل ایشان پیوسته آماده پذیرفتن ماست و هرگز از ما مأیوس و دلسرد نمی‌شود.

یوحنا ی رسول عواقب گناه را بدین صورت شرح می‌دهد: "هر که در گناه بسر می‌برد فرزند شیطان است، زیرا شیطان از ابتدا گناهکار بوده است و پسر خدا به همین سبب ظاهر شد تا کار شیطان را نابود سازد. هر که فرزند خداست نمی‌تواند در گناه زندگی کند، زیرا ذات الهی در اوست و نمی‌تواند در گناه بسر برد، زیرا خدا پدر اوست. فرق بین فرزندان خدا و فرزندان ابلیس در این است: هر که نیکی نمی‌کند و یا برادر و خواهر خود را دوست نمی‌دارد، فرزند خدا نیست" (رساله اول یوحنا باب ۳ آیه ۸-۱۰). از روح القدس، روح پاک و قداست بخواهیم تا اینکه ما را از گناهکار بودن ما آگاه سازد و فیض بخشش و توبه حقیقی را به ما عطا نماید، اوست که می‌تواند زخم گناه را التیام بخشد تا علائم فرزند خدا بودن در زندگی ما آشکار گردد.

"ای پدر ما که در آسمانی خجسته باد نام تو بیاید ملکوت تو انجام شود اراده تو روی زمین چنانکه در آسمان است نان روزانه ما را امروز به ما ده گناهان ما را ببخش چنانکه ما نیز بدهکاران خود را می‌بخشیم و ما را در بوته آزمایش فرو مبر بلکه ما را از بدی رهایی ده زیرا پادشاهی و جلال و قدرت از آن توست آمین".

خدمتگزار شما

رمزی گرمو

اسقف اعظم خلیفه گری آشوری کلدانی کاتولیک تهران

آنچه که آزار دهنده است

وقتی قربانی یک بی عدالتی می شویم ، احساسی که داریم بسیار قویست : غم و خشم ما را زیر و رو می کند ... برآستی در چنین شرایطی چطور باید عمل کرد؟

یک بی عدالتی بعضی وقتها باعث می شود که چنان شوکی به انسان وارد شود که توان عکس العمل را از او بگیرد.

آدم می خواهد از خودش دفاع کند اما کلمات نمی آیند! بعضی وقتها هم با وجود ابراز کلماتی که می خواهیم ، این بار آنکه ظلم کرده نمی خواهد بشنود و قبول کند. و همین باعث می شود که آدم دل شکسته و محزون گشته و کینه نگه دارد.

خشونت بدون انتها

بعضی اوقات هم در مقابل یک ظلم ، یک بی عدالتی انسان دچار چنان خشمی می شود که دیگر چیزی جلودارش نیست!

فقط انتقام می خواهد و حاضر است ضربه ای ده بار شدیدتر ، به طرفش وارد کند ، اما برآستی انتقام و تلافی باعث برقراری عدالت است!

نیرویی که به هدر می رود

برای بعضی ها خشم بهترین و بیشترین نیرو برای جنگیدن علیه بی عدالتی است. وقتی دیگر تحمل بی عدالتی را نداریم یا حداقل دیگر نمی توانیم شاهدش باشیم حتماً به فکر دفاع از خود می افتیم. اما برآستی فقط خشم برای یافتن یک راه حل اساسی کافیست؟

هیچوقت دیر نیست

در مقابل بی عدالتی انسان معمولاً اعمالش را مورد انتقاد قرار نمی دهد.

هستند کسانی که اولین عکس العملشان شوکه شدن است. کاری یا حرفی از ایشان ساخته نیست. اما همیشه اینطور نیست. همیشه وقت لازم است برای اینکه بتوانیم فکر و اندیشه خود را به طرف مقابل بفهمانیم ، در این مورد دیگران می توانند کمکمان کنند. اما بعضی ها نمی خواهند روی این کار وقت بگذارند و فوراً دست به حمله و انتقام می زنند. ولی تا به کی؟!

برآستی گاهی اوقات از تشخیص فرق بین انسان و حیوان عاجزیم.

خداوند به انسان شعور داده است. شعور و محبت می تواند انسان را شبیه خدا سازند. گرایش ما به کدام سمت بیشتر است؟

محبت پیش در آمد معجزه!

انسانها برای زندگی کردن در صلح و آرامش محتاج به عدالتند. به همین علت انسان باید برای همزیستی قوانین را رعایت کند.

برای مبنای جهانی عادلانه تر ، عیسی مسیح یک نسخه بسیار ساده تجویز می کند: محبت

محبت کردن بدون حسابگری

برای عیسی مسیح تنها قانون مهمی که زمینه عادل بودن نسبت به دیگران را مهیا می سازد محبت است: "همسایه خود را مثل خودت محبت نما" چون وقتی محبت محرک ارتباط با دیگرانست ، همه کار برای سعادت و

تا بخشش

عیسی مسیح از طریق حکایت امثالش سعی داشت به هر یک بفهماند که چقدر خداوند تک تک ما را محبت می نماید. محبت خدا بدون حد و شرط است. خدا ما را آنطور که هستیم و با وجود آنچه که کرده باشیم، محبت می نماید. زیرا خدا قاضی نیست، او همواره در انتظار بازگشت ما است.

محبت کردن مصوبی است!

وقتی آدم با محبت محاصره می شود، آرزو دارد آن را به دیگران نشان دهد. اگر معیار عمل هریک از ما یگانه حکم مسیح باشد، می توان امیدوار بود که گاهی هم عادلانه رفتار می کنیم.

آسایش هم انجام می دهیم زیرا برآستی محبت کردن مطابق آنچه مسیح خواسته است، کاریست بسیار سخت و شیرین!

محبت کردن بدون قضاوت

عیسی مسیح نمونه های متفاوتی از این عدالت را بازگو کرده است. مثلاً برای عیسی طردشدگان و زخم خوردگان بسیار مهم بوده اند. چنانکه همواره آماده شنیدن نیازهای ایشان و تسلی زخم هایشان و شفای بیماریشان بوده است و اجازه نمی داد که سطح پایین فرهنگ و ادب و اخلاقیات ایشان بر رویش اثر منفی گذارند.

زائری در باغی از درختان شکوفه زده گیلاس می گشت. به ناگاه دزدی در مقابل اش ظاهر شد و چون دید که زائر چیزی جز ردا و عصایش ندارد، قصد کرد تا او را همانجا بکشد. زائر به پایش افتاد و درخواست کرد قبل از مرگش دو خواسته اش را برآورده سازد.

دزد گفت: بگو.

زائر گفت: یک شاخه شکوفه زده گیلاس برایم بکن!

دزد این کار را کرد: خوب، بعدی؟

زائر گفت: حالا آن را سر جایش برگردان تا شکوفه هایش رشد کنند و میوه شوند.

دزد گفت: تو دیوانه ای!

زائر گفت: دیوانه تویی که خودت را قوی می پنداری چون می توانی زخمی و نابود کنی. در حالی که قادر اصلی آنست که می آفریند، حیات می بخشد و از آن محافظت می کند!

دوستان گرامی

دلتن همیشه شاد باشد ، وجودتان همیشه سرسبز و امیدوارم همیشه احساس راحتی و آرامش کنید. تابستان شروع شد و تعطیلی مدارس ! فصل استراحت و تفریح و گردش!

اما دوستان گرامی مواظب باشید تابستان را هدر ندهید! تابستان هر سال ، فصلی از عمر شماست! انسان های با خرد و اندیشه می توانند این فصل را مبنای ایجاد تغییرات مثبت در دورن خود قرار دهند.

بچه ها ! تا به حال درباره ی نیروهای درونی خود فکر کرده اید؟

شما خجالتی هستید یا به راحتی صحبت می کنید؟ آیا تا حالا شده بخواهید کار مهمی را شروع کنید؟

آیا تا حالا مسئولیتی در کلاس یا مدرسه یا خانه داشته اید؟

اگر بتوانید آن موارد را به خاطر بیاورید ، می توانید به موضوع مورد بحث ما که همان **اعتماد به نفس** است ، نزدیک شوید. ما معمولاً در مقابل این مسائل به گونه های مختلف عمل می کنیم ، بعضی از ما همه چیز را با نتوانستن شروع می کنیم ، بعضی ها بالعکس همیشه احساس می کنیم می توانیم کارهای مهم و بزرگ را انجام دهیم ، می توانیم صحبت کنیم ، حرف بزنیم و نظر بدهیم.

اما دوستان گرامی ، راستی چرا این تفاوت ها در ما وجود دارد؟

دانشمند بزرگی به نام ماکسول مالتر ، با این که یک جراح موفق پلاستیک است همچنین با نبوغ فردی خود ، به یک روانشناس بزرگ تبدیل شده است. او می گوید: انسان ها در درون خود موتورهای دارند که همه اعمالشان را به سمت افکار و اندیشه هایشان به پیش می برد ، یعنی ما هر چه فکر می کنیم به همان سمت هم پیش می رویم ، ... مثلاً اگر فکر کنیم کاری را می توانیم انجام دهیم به همان سمت پیش می رویم و اگر فکر کنیم نمی توانیم ، قوای درونی ما ناخودآگاه ضعیف می شوند و ما عملاً کم توان می شویم.

همه ما اصولاً بر اساس آنچه فکر می کنیم ، عمل می کنیم ،

ما درباره ی خود چه فکر می کنیم ؟ قوی فکر می کنیم یا ضعیف؟

همه ی این افکار بر روی توان ما مؤثرند!

خدا نکند ما تصویر ضعیفی از خود داشته باشیم آن موقع است که دیر یاد می گیریم ، حافظه ی ما ناخودآگاه ضعیف می شود ، توان خلاقیت ما پایین خواهد آمد ، نمی توانیم در جمع صحبت کنیم و در شکست های کوچک و کم ترین مشکلات زود از پا در می آییم ، حتی عضلات ما نیز تحت تأثیر افکار ماست!

اما اگر درباره ی خود تصویر خوب و مثبتی پیدا کنیم و بگوییم می توانیم و همیشه خود را قوی بپنداریم ، دارای تصویر ذهنی خوبی از خود خواهیم بود که همه ی اعمال ما و درون و جسم ما به سمت توانمندی و موفقیت های بیش تر به پیش خواهند رفت.

دوستان گرامی ، تابستان امسال را با **تلقین های مثبت و افکار خوب و بهترین تصویر ذهنی درباره ی خود**

آغاز کنید.

مطمئن باشید شما هر آنچه را که درباره خود فکر می کنید به سمت آن حرکت خواهید کرد.

آرام باشید ، شاد و با نشاط

شده باشه همه چیزهایی که خواسته بود به او داده شد.

اگرچه مرد دوم هنوز هیچ چیز نداشت .

سرانجام مرد اول از خدا طلب یک کشتی نمود تا او و همسرش آن جزیره را ترک کنند. صبح روز بعد مرد یک کشتی که در سمت او در کناره جزیره لنگر انداخته بود را یافت . مرد با همسرش سوار کشتی شد و تصمیم گرفت مرد دوم را در جزیره ترک کند.

او فکر کرد که مرد دیگر شایسته دریافت نعمتهای الهی نیست . از آنجاییکه هیچ کدام از درخواستهای او از پروردگار پاسخ داده نشده بود. هنگامی که کشتی آماده ترک جزیره بود مرد اول صدایی غرش وار از آسمانها شنید: «چرا همراه خود را در جزیره ترک می کنی؟»

مرد اول پاسخ داد: «نعمتها تنها برای خودم هست چون که من تنها کسی بودم که برای آنها دعا و طلب کردم دعاهای او مستجاب نشد و سزاوار هیچ کدام نیست»

آن صدا مرد را سرزنش کرد: «تو اشتباه می کنی او تنها کسی بود که من دعاهایش را مستجاب کردم وگرنه تو هیچکدام از نعمتهای مرا دریافت نمی کردی»

مرد از آن صدا پرسید: «به من بگو که او چه دعایی کرد که من باید بدهکارش باشم»

«او دعا کرد که همه دعاهای تو مستجاب شود»

ما هممون می دونیم که نعمتهای ما تنها میوه هایی نیست که برایش دعا می کنیم ، بلکه آنها دعاهای دیگران هستند برای ما .

دو نجات یافته

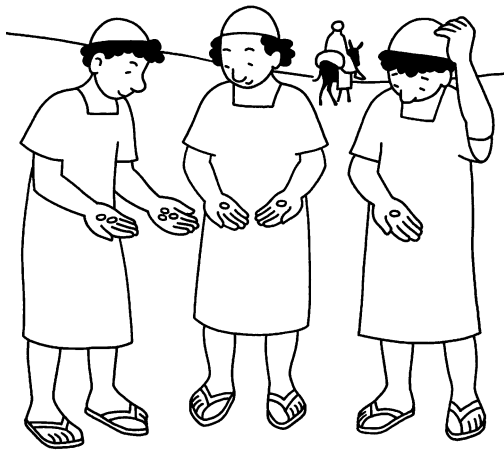
یک کشتی در یک سفر دریایی در میان طوفان در دریا شکست و غرق شد و تنها دو مرد توانستند نجات یابند و به جزیره کوچکی شنا کنند.

دو نجات یافته نمی دانستند چه کاری باید کنند اما هر دو موافق بودند که چاره ای جز دعا کردن ندارند. به هر حال برای اینکه بفهمند که کدام یک از آنها نزد خدا محبوبترند و دعای کدام یک مستجاب می شود آنها تصمیم گرفتند تا آن سرزمین را به دو قسمت تقسیم کنند و هر کدام در یک بخش درست در خلاف یکدیگر زندگی کنند. نخستین چیزی که آنها از خدا خواستند غذا بود.

صبح روز بعد مرد اول میوه ای را که بر روی درختی روییده بود در آن قسمتی که او اقامت می کرد دید و مرد می تونست اونو بخوره . اما سرزمین مرد دوم زمین لم یزرع بود.

هفته بعد مرد اول تنها بود و تصمیم گرفت که از خدا طلب یک همسر کند. روز بعد کشتی دیگری شکست و غرق شد و تنها نجات یافته آن یک زن بود که به بخشی که آن مرد قرار داشت شنا کرد. در سمت دیگر مرد دوم هیچ چیز نداشت . به زودی مرد اول از خداوند طلب خانه، لباس و غذا بیشتری نمود. در روز بعد مثل اینکه جادو

آقایی می خواست به مسافرت برود ، پس غلامان خود را صدا کرد و ثروتش را به ایشان سپرد.
به اولی پنج کیسه طلا سپرد به دومی دو کیسه و به سومی یک کیسه.



آنکه پنج کیسه داشت با آن کار کرد و پنج کیسه دیگر
سود برد. آنکه دو کیسه داشت با آن کار کرد و دو
کیسه دیگر سود برد و اما آنکه یک کیسه داشت آن را
در گوشه ای گذاشت.

وقتی آقا از مسافرت برگشت غلام اول پنج کیسه را
نشان داد و پنج کیسه ای که سود برده بود را هم به
آقاییش داد و او را خوشحال کرد. آقاییش هم به او شادی
بسیاری داد. همینطور غلامی که با دو کیسه اش ، دو
کیسه دیگر نیز سود برده در شادی آقاییش شریک شد.

اما سومی که هیچ کاری نکرده بود تا سودی ببرد ، آقاییش دستور داد تا آنچه را که داشت هم از او پس
بگیرند و او را تنها گذاشتند.

(انجیل متی ۱۴/۲۵-۳۰)

با این مثل هم عیسی از ما می خواهد تا با زندگی برحسب انجیل مردمان خوشبختی بشویم.

یک گنج حقیقی

عیسی در این مثل از ما نمیخواهد که فقط دنبال پول باشیم.
زیرا از نظر عیسی پول و ثروت بهترین راه خوشبخت شدن نیستند.

معنی این مثل

می توان گفت که آقای این غلامان- همان خداوند است و غلامان او هر یک از ما هستیم. گنجی که خدا به ما
سپرده است "کلام او" می باشد. خدا از هر یک از ما می خواهد تا برحسب "کلامش" زندگی کنیم زیرا
کلام خدا زنده است و ثمره بسیار می آورد.

مثلاً یکدیگر را دوست داشته باشیم- به هم اطمینان کنیم ، همدیگر را ببخشیم.

این مثل به ما می آموزد که اگر آنچه را انجیل می گوید زندگی کنیم زندگی ما پر ثمر میگردد.

دلیل برکات خدا برای هر انسان

وقتی ما از کسی یک هدیه میگیریم ، بهترین راه تشکر به کار بردن آن هدیه می باشد. در حالی که در این
مثل غلام سوم هدیه ای را که دریافت کرده بود ، بی ثمر گذاشته بود. او نفهمید که خدا به او چه برکتی
داده بنابراین نتوانست ثمرات این برکات را در زندگیش بفهمد و ببیند. به همین دلیل خود را بدبخت دید.

اخبار و تقویم کلیسای

- یکشنبه ۱۳ مرداد ۹۲ = ۴ آگوست ۲۰۱۳، یکشنبه پنجم تابستان
رساله: دوم قرن‌تین فصل ۱۲ آیه ۱۴ الی ۲۱
انجیل: لوقا فصل ۱۶ آیه ۱۹ الی فصل ۱۷ آیه ۱۰
- ۱۵ مرداد ۹۲ = ۶ آگوست ۲۰۱۳، عید تجلی باشکوه مسیح می باشد که نماز این عید به روز جمعه ۱۸ مرداد ۹۲ = ۹ آگوست ۲۰۱۳، انتقال داده می شود. نماز در کلیسای حضرت یوسف ساعت ۱۰ صبح برگزار می شود.
- یکشنبه ۲۰ مرداد ۹۲ = ۱۱ آگوست ۲۰۱۳، یکشنبه ششم تابستان
رساله: اول تسالونیکیان فصل ۲ آیه ۱ الی ۱۲
انجیل: لوقا فصل ۱۷ آیه ۵ الی ۱۹
- یکشنبه ۲۳ مرداد ۹۲ = ۱۴ آگوست ۲۰۱۳، روزه عید انتقال حضرت مریم به آسمان پرهیز از گوشت
- ۲۴ مرداد ۹۲ = ۱۵ آگوست ۲۰۱۳، عید باشکوه انتقال حضرت مریم به آسمان می باشد، نماز این عید روز جمعه ۲۵ مرداد ۹۲ = ۱۶ آگوست ۲۰۱۳، در کلیسای حضرت مریم ساعت ۵ بعدازظهر برگزار می گردد.
- یکشنبه ۲۷ مرداد ۹۲ = ۱۸ آگوست ۲۰۱۳، یکشنبه هفتم تابستان
رساله: اول تسالونیکیان فصل ۲ آیه ۱۴ الی فصل ۳ آیه ۲۵
انجیل: لوقا فصل ۱۸ آیه ۱ الی ۱۴
- یکشنبه ۳ شهریور ۹۲ = ۲۵ آگوست ۲۰۱۳، یکشنبه اول الیا
رساله: دوم تسالونیکیان فصل ۱ آیه ۱ الی ۱۰
انجیل: لوقا فصل ۱۸ آیه ۳۵ الی فصل ۱۹ آیه ۱۰

قابل توجه جوانان عزیز

مراسم برگزاری روز جوانان که قبلاً در روز ۷ و ۸ شهریور اعلام شده بود در روزهای ۶ و ۷ شهریور برگزار خواهد شد که بدینوسیله اصلاح می گردد.